

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

National and Revolutionar Characters

afgazad@gmail.com

شخصیت های ملی و انقلابی

سازمان انقلابی افغانستان

۱۳ جولای ۲۰۲۱



راه و رسم پاغر، زنده و جاودان است!

گرامی‌یاد رفیق پاغر رهبر و بنیانگذار «سازمان انقلابی افغانستان» ده سال قبل در شامگاه ۲۲ سرطان سال ۱۳۹۰ چشم از جهان فرو بست. رفیق پاغر زمانی درگذشت که هنوز از ایجاد سازمان چند سالی نگذشته بود و کارهای بسیار مهم و حیاتی پیش روی سازمان قرار داشت. زنده یاد رفیق پاغر، آخرین روزهای زندگی‌اش را در «تاریخ، نبرد طبقاتی» زیست و با تمام توان و تلاش آخرین سطرهای این نوشته ماندگار را تحریر کرد. متأسفانه مرگ به او مجال نداد تا شاهد چاپ و نشر این نوشته ارزشمند باشد.

قلب رفیق پاغر از تپیدن باز ماند، اما اعضای سازمان با ایمان راسخ به ایدئولوژی پرولتری و با تجدید تعهد، کار و بیکار سازمان را قاطعانه به پیش بردند و بر افتخارات آن افزودند. سازمان انقلابی افغانستان دهمین سالگرد درگذشت رفیق پاغر را با درس‌گیری از کار، تلاش، مبارزه و تعهد آن رفیق عزیز گرامی می‌دارد.

فرهنگ انقلابی در یک سازمان مارکسیستی، فرهنگ امپراتوری و خود کامگی نیست. فرهنگ کودتای تشکیلاتی، صدور دساتیر تویتری و تیولدار تشکیلاتی نیست. سازمان، جایگاه انقلابیون آگاه، ورزیده، شجاع و جسور است که قطعاً اجازه فرمانروائی تک فردی بر سازمان را نمی‌دهد؛ که این را ما از رفیق پاغر آموختیم. ما از او آموختیم که رفقای خود را گلابیاتورهای تفنگ به دست نسازیم، آنان باید سربازان آگاهی باشند که حق انتخاب و انتخاب کردن داشته باشند و مسلح با آگاهی انقلابی از انقلاب و مردم دفاع کنند.

ما آموختیم که دشنام، فحش، بدزبانی، رکیک گوئی و اتهام بستن شایسته انقلابیون نیست. با کار مشترک تحت رهبری آن رفیق زنده‌یاد، همه ما احترام متقابل، روحیه رفیقانه، انتقاد و انتقاد از خود را آموختیم. آموختیم بر رفقای که با سازمان مخالفت پیدا می‌کنند و سازمان را ترک می‌گویند، انگ خاین نزنیم. عده‌ای از رفقاء، سازمان را ترک گفتند؛ اما آنان بخوبی می‌دانند که جز احترام، هیچ نوع خصومتی از رفقای ما ندیده اند.

ما از رفیق پاغر عملاً آموختیم که سانترالیزم دموکراتیک اس و بنیاد کار رفیقانه و انقلابی است. با وجودی که تمام رفقاء به توانائی و کار او اعتماد داشتند اما او ضمن احترام به اعتماد رفقاء، کنگره سازمان را برگزار کرد. این کنگره تأثیر نمایشی نبود که دستچین‌های فرد اول از ورای عینک سیاه و سفید، امپراتوری‌اش را تداوم ببخشد؛ بل انتخاب کردن و انتخاب شدن رفقاء بود. همین بود که در فردای درگذشت آن گرامی‌یاد، همه رفقاء، جوان و مسن جمع شدند و مسؤولیت کارها را به دوش گرفتند. ما تداوم کار و اعتماد رفیقانه را از رفیق پاغر آموختیم.

او به ما یاد داد که بازیگران کولوسئومی قدرت خانوادگی کسی نیستیم که اسباب لذت و شهوت حاکمیت او را فراهم سازیم. او به ما آموخت که پیشاهنگ هستیم، غرور و جسارت انقلابی داریم، نه رمه هائی که چوب چوپان بخوریم و ترس گرگ بر ما حاکم باشد. ما از او آموختیم که با غرور باشیم، جسور باشیم، پیشاهنگ باشیم و همین بود که امپراتوری‌های مضمحل «چپ» کشور را از گوش‌هایش گرفتیم و تکان دادیم تا حداقل به خود بیایند.

رفیق پاغر به ما صداقت در مبارزه را به میراث ماند. ما با دستان خالی شروع کردیم. بر درگاه هیچ منبع کثیف و آلوده سر نگذاشتیم تا پول چتل و آلوده به دست بیاوریم. ما آموختیم که حق‌العضویت بپردازیم، اعانه بدهیم، در پارک‌ها و چمن‌ها حوزه‌های سیاسی بگذاریم، در سرای‌های محقر اتاق کرایه کنیم و از پرنتز، فوتوکاپی و کاغذ ادارات ارتجاعی کارهای سازمان را انجام دهیم. ما آموختیم که از ارائه منابع پولی سازمان به کنگره با افتخار و به تفصیل گزارش دهیم. هیچ گاه ترس از ارائه گزارش منابع پولی سازمان نداشتیم و نداریم. این ترس را کسانی دارند که منابع پولی شان سیاه، کثیف، آلوده و چتل باشد؛ آنان چنان ترس دارند که حتی به بلندترین مرجع تصمیم‌گیری شان نمی‌توانند منابع پولی خود را فاش کنند؛ ما اما چنین هراسی نداریم. ما افتخار می‌کنیم و بر هواداران عزیز و ارجمند و مبارز خود می‌بالیم که سالهای سال است که سازمان را حمایت مالی می‌کنند. حمایت مالی این رفقاء، حق‌العضویت‌ها و اعانه‌های رفقا است که منابع پولی سازمان را می‌سازد.

ما از رفیق پاغر آموختیم که «فعالیت‌های مشکوک» نداشته باشیم. خط ما روشن باشد، حتی اگر زرد رویان آن را «سرخ‌نمائی» بگویند. ما آموختیم که انجوزیم، پارلمان بازی، انتخابات پوشالی، حزب علنی و رسمی، عکس گرفتن با ستمگران امریکائی و ناتوئی، حضور در اتحادیه اروپا و مدال‌گیری و خم و راست شدن پیش کرزی و اعلامیه صادر کردن برای دولت پوشالی و دفاع از قانون اساسی ستمگران همه موارد مشکوک هستند؛ لذا آنها را غیرانقلابی، تسلیم طلبانه و خاینانه دانسته بر آنها تف کردیم. ما کم یا زیاد، بر خط انقلابی خود روان هستیم؛ این افتخاری است که ما از رفیق پاغر با خود داریم.

ما آموختیم که خوابزدگی خرگوشی «چپ» را برهم زنیم. وقتی قبله آمال امپراتوری‌های مضمحل «چپ»، یوناما و کرزی و امریکا و ناتو بود، ما شعار «یوناما ته مخ، مارکسیسم ته شا» را سر دادیم، وقتی امپراتوری‌های مضمحل «چپ» از ناتو و امریکا مدال می‌گرفت؛ رفیق پاغر، رفقای جوان محصل را تشویق می‌کرد تا با محصلان پوهنتون‌های کابل به جاده‌ها ریخته علیه قتل عام توده‌ها توسط اشغالگران در بالابلوک فراه اعتراض کنند. وقتی دیگران گزارش انجوه‌های شان را به وزارت‌های عدلیه و اقتصاد و دونه‌ها می‌دادند و تذکره پشت تذکره در وزارت عدلیه دولت پوشالی ثبت می‌کردند؛ رفیق پاغر به ما یاد داد که «مبارزه علیه امپریالیزم بدون مبارزه علیه انجوزیم، انتخابات پوشالی، احزاب سرکاری و جامعه مدنی دلال؛ تقنن لیبرال‌های بی‌برشی است که مصروف فعالیت‌های مشکوک هستند».

وقتی عده‌ای در بُن اول و دوم می‌لمیدند، وقتی عده‌ای با پول اتحادیه اروپا بز تقسیم می‌کردند؛ وقتی عده‌ای از امپریالیست‌ها می‌خواستند منجی توده‌ها باشند، وقتی عده‌ای به گونه مشکوک تجاوز عریان امپریالیزم را مداخله مثبت

می‌انگاشتند؛ رفیق پاغر همراهانش را به یکاولنگ می‌فرستاد تا در کنار توده‌ها خون عزیزان شان را تجلیل کنند و چهره کثیف اشغالگران امریکائی و ناتوئی را افشاء کنند. رفیق پاغر رفقاییش را به کنر می‌فرستاد تا یاد شهدای کراهالی را گرامی بدارند، پاغر همراهانش را وظیفه می‌داد تا شبنامه پخش کنند و از سیدال سخندان تجلیل کنند. وقتی دیگران، قانون اساسی را غنیمت می‌شمردند و مست علنی‌گرائی بودند، همراهان رفیق پاغر به سازماندهی هسته‌های مخفی می‌پرداختند. وقتی دیگران بوجی‌های لست‌های مالی گمراه کننده را ته وبالا می‌کردند، رفیق پاغر به ما یاد می‌داد که بنویسیم، آگاهی خود را بالا ببریم، برای وحدت انقلابیون کار کنیم و چپ را از زیر بار ننگین تسلیم طلبی نجات دهیم. تنها ما از رفیق پاغر نیاموختیم، امپراتوری‌های مضمحل «چپ» نیز از او آموختند؛ آموختند که ضمن فعالیت‌های مشکوک انجوائی و استعماری، دوباره خود را احیاء کنند، «مداخله» را تجاوز بگویند، علیه امپریالیزم بنویسند، به اصطلاح از زحمتکشان دفاع کنند و با پول‌های بادآورده به یکاولنگ و کراهالی بروند. یاد گرفتند علیه امپریالیزم بر در دیوار شعار بنویسند، از درگاه یوناما رو برتابند و به جاده‌ها برآیند و ظاهراً «انتخابات» ریاست جمهوری دولت پوشالی را تحریم کنند. آنها از رفیق پاغر و همراهانش یاد گرفتند که پس از سی سال بنویسند و پس از چهل سال به اصطلاح کنگره شان را برگزار کنند.

پاغر و همراهانش هیچ فعالیت مشکوکی نداشته اند که بابت آن وجدان‌های شان را شلاق‌کاری کنند. فعالیت‌های مشکوک با پول‌های مشکوک تبارز پیدا می‌کند. پاغر و همراهانش از سال ۱۳۸۵ تا اکنون توانسته اند به یمن کمک‌های مالی هواداران ما در غرب، تنها یک عضو حرفه ئی داشته باشند، که این نداشتن اعضای حرفه ئی برای سازمان ما همیشه دردناک بوده است. ولی آنانی که پول‌های مشکوک به دست می‌آورند، جرأت اخلاقی گزارش دادن منابع پولی شان را حتی به بلندترین مرجع تصمیم‌گیری سازمانی (کنگره) ندارند. اینان فعالیت مشکوک دارند یا پاغر و همراهانش که موضع‌گیری شان چه در اسناد سوسیالیستی و چه در اسناد دموکراتیک واضح و روشن است و از هر پول سازمان با سر بلند به بلندترین مرجع تصمیم‌گیری (کنگره) گزارش می‌دهند؟ آنانی که ناچارند منابع پولی شان را قایم کرده با اکت و ادای انقلابی از دادن گزارش منابع مالی شان طفره بروند، آیا حق دارند دیگران را متهم به فعالیت‌های مشکوک کنند؟ پاغر و همراهانش که پروژه نداشته اند، پروپوزل ننوشته اند، برای قاپیدن پروژه به سفارتی نرفته اند و نه میزبان و مهمان اشغالگران بوده اند و نه هم قطاری از کودکان و منسوبین خود را به آن سوی ابچار فرستاده اند، اگر از سوی اینان متهم به «فعالیت‌های مشکوک» می‌شوند؛ پس خود شان که از غارتگران کشور ما پروژه دریافت می‌کنند، با مقامات دست اول امریکائی و ناتوئی ساخت و پاخت دارند و عکس می‌گیرند، در پارلمان اتحادیه اروپا حضور می‌یابند، «زن شجاع» رسانه‌های امپریالیستی می‌شوند و در آخر روز ناچار گزارش‌های شان را به وزارت اقتصاد و وزارت عدلیه دولت پوشالی و دونه‌های امپریالیست به طور «منظم» روان کنند؛ مصروف انجام دادن چه نوع فعالیتی هستند؟!

ما آموختیم که پاکیزگی سازمان را نگاه کنیم و پاک و انقلابی مبارزه کنیم، حتی اگر برای یک روز باشد. حیات سازمان اگر با پاکیزگی و جسارت گزارشدهی همراه نباشد و با منابع مالی چنل و کثیف مشوب و ملوث شود، چه بهتر که به آن نقطه پایان گذاشته شود.

یاد رفیق پاغر گرامی و راهش پر رهرو باد!

مرگ بر امپریالیزم

در راه سوسیالیزم، به پیش!

سازمان انقلابی افغانستان

۲۲ سرطان ۱۴۰۰